

## تبیین تحولات سیاسی و اجتماعی تاثیرگذار بر ظهور داعش در دوران نخست‌وزیری

نوری‌المالکی<sup>۱</sup>

مصطفی مرادی<sup>۲</sup> - فریبا شایگان<sup>۳</sup> - منیژه نویدنیا<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۲۴

### چکیده:

ظهور داعش در چندسال اخیر توجه بسیاری از صاحب‌نظران را بیش از پیش به چرایی تشکیل چنین گروه‌هایی جلب کرده است و شناخت زمینه‌ها و تحولات سیاسی که در کشور عراق در ظهور داعش موثر بود حائز اهمیت است. این پژوهش با توجه به ضرورت تحلیل‌های جامعه‌شناسانه که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند با هدف تبیین جامعه‌شناختی تحولات سیاسی تاثیرگذار بر ظهور داعش در دوران پر تنش نخست‌وزیری نوری‌المالکی انجام شد. پژوهش حاضر به شیوه کیفی - اکتشافی و با ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام گردید. جامعه آماری تحقیق ۱۲ تن از صاحب‌نظران حوزه عراق بودند که با شیوه نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با کدگذاری باز صورت گرفت. این پژوهش در کنار عوامل متعددی که به شکل-گیری داعش در عراق منجر شد نیم نگاهی به تحولات دوره نوری مالکی می‌پردازد و ۲۶ عامل سیاسی عامل سیاسی موثر بر ظهور داعش از این منظر در عراق را شناسایی نمود.

**واژگان کلیدی:** تحولات سیاسی، داعش، عراق، نوری مالکی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> - این مقاله برگرفته از رساله دکتری مصطفی مرادی با عنوان "زمینه‌های اجتماعی و تاریخی شکل‌گیری داعش در عراق" با راهنمایی دکتر فریبا شایگان و مشاور دکتر منیژه نویدنیا در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی انجام گرفته است.

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری، جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
mostafa\_m73@yahoo.com

<sup>۳</sup> - استاد و عضو هیئت علمی، جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران: نویسنده مسئول  
shayegan\_fa@yahoo.com

<sup>۴</sup> - استادیار و عضو هیئت علمی، جامعه‌شناسی سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران  
navidnia@hotmail.com

## ۱- مقدمه و بیان مساله

امروزه فعالیت‌های تروریستی و اقدام‌های خرابکارانه گروه‌های تروریست که در کشورهای مختلف اتفاق می‌افتد، صحنه تلخی از رفتارهای انسانی است که ضمن قربانی شدن عده‌ای از انسان‌های بی‌گناه در آن، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به دولت‌ها و ملت‌ها وارد می‌کند؛ فعالیت‌هایی که اگر چه بازیگران آن ملیت‌های مختلفی دارند، اما در حال حاضر مرکز رشد و گسترش آن در خاورمیانه و به ویژه کشورهای عراق و سوریه است. (Awan, 2015.25) روند فعالیت‌های تروریستی- تکفیری در خاورمیانه از سال ۲۰۱۰ روبه فزونی نهاده است. معرف چنین الگوی رفتاری خشن و خطرناکی، گروه‌هایی نظیر داعش و جبهه‌النصره هستند که با تصرف بخش‌های وسیعی از مناطق سرزمینی در عراق و سوریه، موجودیت قلمرویی یافته‌اند و داعیه برقراری نظام خلافتی را در سر می‌پروراندند. (کوهکن باقری، باقری، ۱۳۹۴: ۱۸۸) اشتغال موصل در ژوئن ۲۰۱۴ از مهم‌ترین تحولات منطقه‌ای و داخلی کشور عراق پس از سقوط رژیم بعث به شمار می‌آید. به اشتغال موصل، داعش توانست خود را به عنوان یک کنشگر غیردولتی فعال‌تر از گذشته نشان دهد. تا قبل از آن، تحرکات این گروه بیش‌تر حالت شورش در سطح مناطقی از عراق را داشت، اما با اشتغال ناگهانی تعدادی از شهرهای عراق، طی مدتی بسیار کوتاهی توانست چهره دیگری از خود به نمایش بگذارد و تاحدودی به شعارهای خیالی تشکیل امارت اسلامی در قسمتی از عراق و سوریه برسد. داعش نشأت‌گرفته از القاعده عراق (در طی ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶) است (Abbas, 2015.12) قدرت داعش را نباید فقط براساس توان نظامی این گروه در تصرف بخش‌های وسیعی از سوریه و عراق ارزیابی کرد بلکه تامین مناسب مالی و از آن مهم‌تر جذب و سازماندهی جنگجویان از خاورمیانه، آسیای مرکزی، شمال آفریقا و اروپا را باید مهم‌ترین قدرت این گروه بشمار آورد. (Cesari, 2014.45) شواهد موجود حاکی است داعش سازمانی منسجم، دارای قدرت مانور زیاد، بهره‌مند از منابع گسترده، فعال در شبکه‌های اجتماعی و دارای اهداف مشخص در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، و ایدئولوژیک است. فارغ از همه تحلیل و بررسی‌هایی که در مورد چگونگی فعالیت گروه‌های تروریستی و چگونگی مقابله با آن عنوان می‌شود و یا تحلیل‌هایی که ناظر بر دامنه جغرافیایی فعالیت آنها یا دخالت قدرت‌های بیگانه در شکل‌گیری آنهاست. (Hoyle et al, 2015.1) موضوع مهم دیگری که در بررسی‌ها از آن غفلت شده است، زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی تولید و گسترش اندیشه‌ها و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی است؛ زمینه‌هایی که منعکس‌کننده وضعیت طبقات

و اقشار مختلف، و سیاست‌های اقتصادی- اجتماعی اعمال شده بر افرادی هستند که جذب گروه‌های تروریستی شده‌اند. (Renad, Faleh, 2014.190) در این میان، داعش یکی از مهم‌ترین گروه‌هاست که به دلیل پیروزی‌هایی که در سال‌های گذشته در کشور عراق و سوریه به دست آورده بود توانسته بود بر حجم قابل توجهی از منابع مادی این کشورها مسلط شود و با تقویت پایه‌های اقتصادی دامنه فعالیت‌های خود را نیز افزایش دهد؛ گروهی که در بسیاری از فعالیت‌های تروریستی جهان نقش محوری داشت. (Neumann, 2015.2)

گروه تروریستی داعش به مثابه سایر گروه‌های تروریستی معمولاً در شرایط بحران‌زا ایجاد شد و با بهره‌گیری از مولفه‌هایی چون بی‌ثباتی سیاسی، خلاءهای امنیتی و بافت‌های اجتماعی شکننده که محصول سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی نسنجیده حاکمان بود فرصت رشد و نمو پیدا کرد. با توجه به اینکه گروه داعش دارای حامیانی بود که از بُعد اقتصادی اعم از مالی و تسلیحاتی آنها را تامین می‌کرد به سرعت دامنه نفوذ و قدرت خود را در بخش‌های وسیعی از عراق و سوریه گسترش داد (McCants, 2015.4) اما موضوع مهم را باید در تحولات سیاسی حاکمیت عراق در دوران نخست‌وزیری نوری‌المالکی دید چه از منظر بسیاری از صاحب‌نظران این دوره محرک، تسهیل‌کننده و تاحدود زیادی عامل اصلی گسترش داعش بوده است دوره نوری-المالکی دارای تناقضات زیادی است و اساساً موضوع مهم این است که در دوران نخست‌وزیری نوری‌المالکی اقدامات حاکمیتی سبب جدا شدن برخی از گروه‌ها، احساس تبعیض گروه‌های دیگر و سوق دادن گروه‌های ناراضی به حمایت از داعش شد. اظهارنظر و قضاوت درباره دوره نوری‌المالکی ساده نیست، و نسبت‌دادن تمامی تضادهای اجتماعی- اقتصادی ایجاد شده به دوره نوری‌المالکی نیز درست نمی‌باشد چرا که بسیاری از نابرابری‌های اجتماعی- اقتصادی و سیاسی، احساس محرومیت گروه‌ها در دوره‌های قبلی به ویژه صدام حسین شکل گرفته بود. از همین رو محقق با دیدگاهی جامعه‌شناختی درصدد است تحولات سیاسی تاثیرگذار بر ظهور داعش در دوران نخست‌وزیری نوری‌المالکی را تبیین نماید.

## ۲- پیشینه پژوهش

اگر چه مطالعات خوبی در زمینه علل شکل‌گیری داعش صورت گرفته است لیکن مطالعات اندکی در ارتباط با زمینه‌های اجتماعی و تحولات سیاسی تاثیرگذار و مشوق پیوستن پیکارجویان خارجی به گروه داعش بوده است. عبدالمحمدی و جویباری (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان

«بررسی علل پیدایش گروه‌های تکفیری با تاکید بر گروه تروریستی داعش در سوریه» نتیجه گرفتند: که عواملی نظیر بحران‌های سیاسی و مذهبی، جامعه سوریه، حمایت‌های دولت‌های غربی نظیر آمریکا و دولت عربستان تاثیر بسیاری را در ظهور و شکل‌گیری این جریان داشته‌اند. همچنین نظریه بازی آمریکا، بیشترین تاثیر را در رشد و تقویت گروه‌های تروریستی دارد و پس از آن عامل بحران سوریه به دنبال آن وجود نارضایتی و خشونت و منازعه بین گروه‌های مختلف (طبق نظریه منازعه و نظام جهانی والرشتاین) بیشترین تاثیر را در ظهور و پیدایش گروه تروریستی داعش داشته است. (عبدالحمیدی و جویباری، ۱۳۹۷) اشرف‌نظری و پیرانی (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «تحلیل کنش‌های خشونت‌بار داعش از چشم‌انداز روان‌شناسی سیاسی؛ با تاکید بر نظریه تعارض واقع‌گرایانه» نشان دادند؛ خشونت داعش، حاصل مجموعه‌ای از عوامل از قبیل واکنش به تجربه استعمار، بحران هویت، ناکامی - سرخوردگی، تحقیر، تبعیض و جنگجویان خارجی به ویژه کشورهای غربی که حس تبعیض و تحقیر، شهروند درجه دو بودن و فقر را القاء می‌کنند، سبب رواج خشونت عریان از سوی داعش شده است. (اشرف‌نظری، پیرانی، ۱۳۹۶) تحقیق امینیان و زمانی‌زمانی (۱۳۹۵) با عنوان «چارچوبی نظری برای تحلیل رفتار گروه داعش» نشان داد؛ علل گرایش به این هویت جمعی به شدت افراطی محصول شکست فرایندهای بدیل در جهت همبستگی و ثبات مردم این منطقه، تاریخ گذشته کشورهای عربی و شکست فرایند ملت‌سازی؛ به ویژه در عراق و ریشه در ناکامی‌های سیاسی، اجتماعی و تبعیض‌ها و نابرابری‌های اقتصادی دارد که ساختارهای سیاسی - اقتصادی کشورهای عربی آن را به جامعه‌شان تحمیل کرده است. (امینیان، زمانی‌زمانی، ۱۳۹۵) صالحی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «کاوشی بر پیدایش داعش» نتیجه گرفتند: که تداوم حکومت‌های دیکتاتوری و بحران‌های سیاسی در کشورهای خاورمیانه بسترهای گروه داعش را بصورت پنهان فراهم و مداخلات خارجی بصورت جنگها و لشکرکشی‌های اخیر آمریکا در خاورمیانه باعث ظهور و تسریع آن شده است. (صالحی و همکاران، ۱۳۹۵)

تحقیق کوهکن‌باقری و باقری (۱۳۹۴) با عنوان «زمینه‌های شکل‌گیری گروه داعش در آسیای مرکزی» نشان داد؛ از جمله بسترهای سیاسی محرک ظهور داعش را باید در اقدامات نادرست رهبران منطقه و ساختار اجتماعی جوامع منطقه، فقر مادی و بیکاری، فعالیت رسانه‌ای اجتماعی و مجازی داعش دانست. همچنین در پژوهش مذکور، ژئواستراتژیک بودن منطقه و همجواری آن با سه قدرت روسیه، چین و ایران، قرارداشتن دره فراغانه به عنوان کانون جغرافیایی بحران‌زا

در این منطقه و نیز همجواری منطقه با افغانستان و تاثیرپذیری آسیای مرکزی از تحولات افغانستان و وجود نارکو تروریسم منطقه‌ای همگی از جمله عوامل ژئوپولیتیکی دخیل در این موضوع هستند. (کوهکن باقری و باقری، ۱۳۹۴) کریمی مله و گرشاسبی (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی چرایی پیوستن جنگجویان خارجی به داعش» نتیجه گرفتند؛ جنگجویان به دلیل سرخوردگی و داغ‌ننگ و بحران هویت ناشی از پدیده اسلام‌هراسی در غرب، به منظور معنابخشی به خویشتن و رهایی از وضع اسفبار هویتی و حفظ و نمایش ارزش‌های خود به داعش پیوسته‌اند. (کریمی مله، گرشاسبی، ۱۳۹۴) تحقیق محمدیان و ترابی (۱۳۹۴) با عنوان «بسترها و عوامل موثر در شکل‌گیری گروهک تروریستی داعش» که با رویکردی توصیفی-تحلیلی صورت گرفته بود یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که می‌توان از ایدئولوژی سلفی-جهادی، عوامل داخلی (ضعف دولت و نیروهای نظامی، تعامل با گروه‌های سیاسی، عوامل جغرافیایی، اختلافات قومی، عوامل اجتماعی-اقتصادی)، عوامل منطقه‌ای (بحران سوریه، حمایت‌های مالی و نظامی عربستان و قطر به منظور سرنگونی حکومت اسد و همکاری‌های ترکیه با گروه‌های مخالف اسد) و از نقش غرب به رهبری ایالات متحده (به بهانه کمک به ثبات منطقه و عراق، مبارزه با تروریست‌ها و تلاش برای ایجاد حکومت مردمی در سوریه) به عنوان عوامل فرامنطقه‌ای موثر در شکل‌گیری گروهک تروریستی داعش نام برد. (محمدیان، ترابی، ۱۳۹۴) تحقیق زارعان (۱۳۹۴) که به روش اسنادی-توصیفی و با عنوان «زمینه‌های ظهور و گسترش داعش در محیط امنیتی غرب آسیا» نشان می‌دهد: اندیشه تکفیر مبتنی بر سلفی‌گری به عنوان زمینه فکری و مقاومت در برابر امواج جهانی‌سازی به عنوان زمینه‌ای فرهنگی، موجبات ظهور و گسترش داعش در جغرافیای جهان اسلام را فراهم کرده‌اند. در سطح ملی، داعش در خلاء رهبری و بحران هویتی اهل سنت، با استفاده از احساسات مذهبی آنان، در جغرافیای دولت‌های فرومانده ظهور کرد و اقتدار این دولت‌ها را به چالش کشید. در سطح منطقه‌ای، به عنوان بازیگری غیردولتی، با بدیل‌سازی از گفتمان اسلام‌گرایی، به مقابله با گفتمان انقلاب اسلامی و محور مقاومت پرداخت. در سطح بین‌المللی نیز جنگ بین‌تمدنی را که آمریکایی‌ها منادی و مدعی آن بودند، به جنگی درون‌تمدنی تبدیل تبدیل و در جهت اسلام‌هراسی حرکت کرد. (زارعان، ۱۳۹۴) آذین و سیف‌زاده (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی ظهور داعش در خاورمیانه» نتیجه گرفتند: که پیدایش داعش، ریشه در رقابت‌های سیاسی و عملکرد اقتداری جهانی در خاورمیانه دارد. کشورهایی مثل عربستان، قطر، اردن، آمریکا و برخی از دولت‌های اروپایی، در

این مسئله دخیل هستند. گروهک داعش، محصول منازعات فکری و اندیشه‌های گروه‌های تکفیری منطقه و بازی قدرت منطقه‌ای است که با هدایت بازیگران سیاسی تأثیرگذار، در حال شکل‌گیری و بحران‌سازی در عراق و منطقه است. در تحلیل عوامل زمینه‌ساز ظهور داعش، نمی‌توان از نقش مؤلفه‌ها و عوامل بیرونی گذشت. در این میان، آمریکا و بازیگران منطقه‌ای، هریک به‌نحوی مؤثر و مستقیم به ظهور و تداوم اقدامات داعش کمک کرده‌اند. (آذین و سیف زاده، ۱۳۹۴)

پژوهش گومز و میخائیل<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «ترور یا تروریسم؟ القاعده و دولت اسلامی در دیدگاه مقایسه‌ای» نتیجه گرفتند: این مقاله القاعده و داعش را مقایسه می‌کند که علیرغم علایق مشابه مسیرها و اهداف متفاوتی را ایجاد کرده است. بر اساس چارچوب تحلیلی ما، این به این دلیل است که القاعده به نظر می‌رسد از تروریسم به عنوان ابزاری برای ایجاد مخاطبان دیگر در رفتارهای خاص استفاده می‌کند، انتظار می‌رود که در آینده به نفع خود نیروهای خود را تغییر دهد، در حالی که داعش سازمان پیچیده‌ای است که ابتدا هدف این است که یک نظم سیاسی جدید در سرزمین اشغالش ایجاد کنیم. (Gomes and Mikha-el, 2018) مدب<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «دین و سیاست تنوع مذهبی، تقسیم بندی سیاسی و تنش های ژئوپلیتیک در منطقه منا» نتیجه گرفتند: افزایش بی ثباتی، دخالت‌های آمریکا، ناتوانی حاکمیت در پاسخگویی به تقاضاها و مطالبات شهروندان و اقدامات محورمیت‌زاد و تضادمحور حاکمیت‌های داخلی عامل اصلی ظهور تفکرات تروریستی و اقدامات تخریب‌گر است. (Medebb et al, 2017) تی‌سه<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان «داعش و ثبت نام؛ چطور ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در پیوستن به گروه داعش نقش بازی می‌کنند؟» نشان داد؛ برخی از اعضای داعش ۳۰-۱۵ ساله هستند و از طریق شبکه‌های اجتماعی جذب این گروه شده‌اند. پیوستن برخی از اعضای داعش به مثابه یک جایگزین در زندگی آنها مطرح بوده است و برخی دیگر به علت ایدئولوژی داعش بوده است. برخی از اعضای داعش از مدارس انصراف داده بودند زمانی که احساس کردند گزینه‌های زندگی‌شان محدود است؛ ثروت و درآمد کم برخی از اعضاء داعش فرصت‌های کمی را برای آنها فراهم می‌آورد، به ویژه در کشورهای

<sup>1</sup> Gomes and Mikhael

2. Medeb

3. Tse

غربی؛ در حالی که داعش قول فراهم آوردن کالاهای لوکس، زن، و ثبات مالی را به آنها داده بود. اعضای داعشی که از طبقات اجتماعی-اقتصادی کم‌درآمد بودند در فراهم آوردن نیازهای اساسی با مشکل مواجه بودند در حالی که داعش قادر به تهیه سرپناه، غذا و نیازهای اساسی برای بقاء آنها بود. افراد ثروتمند که به داعش پیوسته بودند، این پیوستگی را نوعی هیجان و هویت می‌دانند؛ از جمله زنان متعلق به طبقات مرفه در غرب که به گروه داعش پیوسته بودند سبک زندگی غربی را رد می‌کردند (Tse, 2016) هادرا<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان «داعش: گذشته، حال و آینده؟» نتیجه گرفت؛ اساسا داعش با استفاده از رسانه‌های اجتماعی، پیام خود را به جهانیان انتقال داد و کمپین داعش در شبکه‌های اجتماعی نظیر یوتیوب و توییتر خوب سازماندهی شده بود بنابراین نقش تبلیغات در جذب عضو برای داعش حیاتی بود. داعش در شبکه‌های اجتماعی تصویری از دولت مدرن شامل ساختارهای قانونی و حاکمیت، یک اقتصاد مناسب و ماندگار، و توانایی تهیه نیازها و خدمات عمومی پیچیده را ارائه داد. برخی از اعضای داعش که عضو این گروه شده بودند در کشورهای غربی یا کشورهای آسیایی، خاورمیانه در زمینه تامین نیازهای اولیه خود با مشکلات اساسی مواجه بودند و عمدتاً از طبقات فقیر و کم‌درآمد بودند که به علت خصوصی‌سازی بیش از حد در کشورهاشان یا عدم توزیع مناسب ثروت یا تمرکز ثروت و قدرت در دست عده‌ای معدود دچار سرخوردگی، ناکامی و گسست هویتی شده بودند. بر همین مبنا، تصویر داعش در شبکه‌های اجتماعی خوشایند طبقاتی بود که احساس می‌کردند با پیوستن به داعش نه تنها هویت جدید بلکه منابع جدیدی نیز بدست می‌آورند. (Hadra, 2015)

## ۲- چارچوب نظری

نظریات و تئوری‌های متعددی در خصوص شکل‌گیری و پیدایش داعش قابل استفاده می‌باشد؛ ولی واقعیت اجتماعی پیچیده‌تر از آن است که بتوان با یک نظریه آن را بررسی نمود و کمتر یا شاید بتوان گفت هیچ نظریه‌ای توان پوشش تمامی آن را در قالبی واحد ندارد. نظریات این حوزه طیف وسیعی را شامل می‌شود که به طور مختصر به آنها اشاره می‌شود. دقت در این نکته لازم است که در کلیه نظریات ذیل، اقدامات سیاسی حاکمیت علت بسیاری از تضاد-های اجتماعی-اقتصادی است، بنابراین رویکرد محقق در ذکر نظریات ذیل، اساساً توجه به اقدامات حاکمیتی است. در مباحث جامعه‌شناختی نظریه تضاد طبقاتی مارکس تبیین‌کننده

2. Hadra

زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی پیوستن پیکارجویان به داعش است؛ بر اساس نظریه تضاد طبقاتی مارکس، توزیع بد و نامتوازن ثروت در نتیجه سوء حکومت و وجود ثروت‌های سرشاری همچون نفت در اغلب کشورهای اسلامی، تضاد طبقاتی را در این جوامع روزافزون کرده است. به عبارت بهتر، حاکمیت عراق دوران نوری‌المالکی به علت سیاست‌های تضادزا و شکاف‌محور عملاً بسیاری از گروه‌ها را از بدنه حاکمیت و مشارکت سیاسی جدا کرده بود بنابراین مطابق با نظر مارکس تضادهای طبقاتی می‌تواند در وضعیت بدتر انقلاب و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، شورش را موجب شود. (Jenkins, 2015.6) بر همین اساس، از دیدگاه مارکس انقلاب، عمل خشونت‌آمیزی است که با هدف دگرگون کردن کل جامعه انجام شده و نقد ساختارهای اجتماعی موجود به سبب سطح بالای نابرابری‌ای است که ایجاد کننده دور باطل فقر، جهل، گرسنگی و در نهایت خشونت می‌گردد (Gupta, 2004.3) اما اگر از زاویه‌ای دیگر به این موضوع توجه کرد باید گفت فقر و پردشدگی گروه‌های مختلف اجتماعی می‌تواند منجر به ناکامی - سرخوردگی منجر شود؛ مطابق با نظریه ناکامی - سرخوردگی، عامل اصلی رشد بنیاد - گرایبی اسلامی، فقر است. هم فقر اقتصادی و هم فقر گفتمان سیاسی که دولت آن را تحمیل می‌کند. (Caleb Weiss, 2017.10) شرایط موجود در کشورهای نفت‌خیز عربی نشان می‌دهد عمده ثروت جامعه در دست عده‌ای معدود بوده و این کشورها دچار بی‌سوادی، مشکلات اقتصادی، بیکاری، پایین بودن سطح آموزش و مهارت و ... هستند. در عراق بعد از صدام نیز همین وضعیت مشاهده می‌شود اختلافات اساسی بسیاری از گروه‌های عراقی حتی بعد از تصویب فدرالیزه شدن عراق و تقسیم پست بین قومیت‌ها و مذاهب مختلف فروکش نکرد و شاید مهمترین علت نیز اقدامات دولت شیعه نوری‌المالکی بود که اغلب از منظر سایر قومیت‌ها، مذهب و گروه‌های قومیتی عراق محل سؤال و چالش اساسی است. (Bergen, 2015.2) اما توقف در عوامل اقتصادی موثر بر پیوستن به داعش چندان سودمند نخواهد بود و فراتر از عوامل اقتصادی به ابعاد اجتماعی - سیاسی نیز باید توجه نمود. براساس دیدگاه محرومیت نسبی، جنبش‌های اجتماعی، هنگامی سر بر می‌آورند که مردم احساس کنند از آنچه سهم عادلانه آنها است، محروم شده‌اند و حتی لازم نیست محرومیت نسبی، واقعی و عینی باشد، بلکه تنها حس ذهنی بی‌عدالتی و نارضایتی جمعی برای احساس محرومیت کافی است. (wu, 2018. 279) دولت - هابی که نمی‌تواند منابع را بصورت متعادل و عادلانه در بین گروه‌ها توزیع نمایند عملاً تضاد - های اجتماعی - اقتصادی را افزایش می‌دهد. بر همین اساس حضور افراد طبقات متوسط و

حتی مرفه نیز که به علت اقدامات حاکمیت احساس محرومیت نسبی می‌کنند قابل توجه است. بسیاری از طبقات متوسط و مرفه به علت اینکه اقدامات حاکمیتی اجازه مشارکت اجتماعی - اقتصادی و سیاسی لازم به آنها را نمی‌دهد می‌توانند در قالب پشتیبانی از گروه‌های افراط‌گرا اقداماتی را انجام دهند. (Bloom and Daymon, 2018: 374)

نظریه بحران اسپریگنز بعنوان یکی از مهمترین روش‌های فهم اندیشه سیاسی، دارای ۴ مرحله است. مرحله اول مشاهده و شناسایی مشکل سیاسی که جامعه با آن مواجه است، مرحله دوم جستجو و تحلیل علل بوجود آمدن بحران، مرحله سوم بازسازی آرمانی جامعه سیاسی و مرحله چهارم ارائه راهکار و درمان می‌باشد. مرحله اول نظریه مذکور نقش اقدامات حاکمیتی را مورد توجه قرار داده و اساسا در تبیین ظهور داعش می‌توان گفت اقدامات حاکمیت عراق بعد از سقوط صدام سبب شد که نیروهای آمریکایی و انگلیسی حضوری پُررنگ در عراق داشته باشند که از منظر این گروه، نخستین و مهمترین مشکل عراق، حضور نیروهای غربی بویژه نیروهای آمریکایی حاضر در عراق و هم پیمانان آنان در اتحادیه اروپا بخصوص انگلستان بود. (-Cook, 2012)

(12)

مطابق با نظریه تعارض واقع‌گرایانه مظفر شریف (۱۹۵۴)، رقابت معقول برای دستیابی به منابع کمیاب، به سرعت به تعارض تمام‌عیار تبدیل می‌شود و در چنین وضعیتی، نگرش‌های منفی که هسته مرکزی پیش‌دآوری را تشکیل می‌دهند، رواج می‌یابند. با جدی‌تر شدن رقابت، نگاه افراد درگیر به یکدیگر، به صورت فزاینده‌ای منفی می‌شود. در این مرحله اعضای گروه گرایش دارند که مرزهای میان خود و دیگری را مستحکم کنند و گروه‌های دیگر را کوچک بشمارند و به فرادستی خود ایمان آورند. (Berger, Morgan, 2015: 13) داعش با تقسیم جهان به درون‌گروه و برون‌گروه خود، توانسته است در جذب افرادی که با این ایدئولوژی هم‌ذات‌پنداری کرده و از سوی دیگر، با برون‌گروه داعش احساس تعارض می‌کنند، موفق باشند. شاید نکته اصلی نظریه مظفر شریف این است که اقدامات حاکمیتی اساسا می‌تواند تضادهای گروهی در جامعه را افزایش دهد و بر همین اساس ایدئولوژی‌هایی شکل گیرد که در مقابل حاکمیت قدرتمندانه قدعلم کنند بلکه سایر گروه‌ها را از گردونه رقابت خارج کنند که ابزار خشونت در این میان تاثیرگذار است. (Gerges, 2014: 12) در ذیل و برگرفته از تعارض واقع‌گرایانه شریف، نظریه هویت اجتماعی تاجفل و همکارانش قرار دارد که می‌تواند زمینه‌ها و علل پیوستن پیکارجویان به داعش را تبیین نماید. مطابق این نظریه، افراد در برابر قدرت، منزلت و اندازه گروه‌شان

حساس هستند و تمایل دارند از ارزش‌ها و نشانه‌ها و نهادهای اجتماعی که مربوط به گروه‌شان است حمایت کنند، زیرا هویت اجتماعی برای آنها مهم است. نظریه هویت اجتماعی بر این باور است که اگر رقابت گروه‌ها بر سر منابع باشد، تعارض با توزیع عادلانه منابع قابل حل و فصل است؛ ولی هنگامی رقابت بر سر افتخار، احترام و ارزشمندی و بهتر دیده شدن باشد، پیروزی و بُرد یعنی همه‌چیز و حل تعارض دشوار می‌شود. بر همین مبنا، این گروه‌ها تولیدات سایر گروه‌ها را بی‌ارزش دانسته و در تخصیص منابع نسبت به آنها تبعیض قائل می‌شوند. هویت در این نظریه بر اساس احساس تعلق و عدم‌تعلق به درون‌گروه و برون‌گروه، تعریف می‌شود و این تعلق با اهمیت‌دادن احساس و ارزش به عضویت گروهی خود همراه است. بنابراین بحران هویت برخی از پیکارجویان داعشی به علت تبعیضات سایر گروه‌ها در کشورهای مبداء منجر به عضویت در گروهی شده است هویت اجتماعی مثبت را جستجو و آن را حفظ می‌کنند. پیوستن بسیاری از سنیان یا حمایت از گروه داعش، اساساً نوعی بروز هویت اجتماعی-سیاسی سنیان و به رخ کشیدن قدرتشان به جاکمیت شیعی نوری‌المالکی و اقدامات او بود. (ویلیامز، ۱۳۹۵: ۱۰۴؛ Abrams and Hogg, 2001) از این منظر هویت جمعی داعش سه پایه اصلی دارد: ۱- محیط ناامن که افراد را برای ایجاد ویژگی‌های اجتماعی جدید توانا می‌کند و افراد سرخورده و تحقیر شده می‌توانند به آن بپیوندند. این هویت جمعی باید این مطلب را روشن کند که دولت نمی‌تواند امنیتی را که افراد مستحق آن هستند و منابعی که لازم دارند را تامین کند؛ ۲- وسیله‌ای که مخاطبان را به گروه متصل کند، که در این رابطه دین پیوندی بسیار قوی است؛ ۳- منفعت شخصی. در واقع، هویت جمعی موقعیتی را ترسیم می‌کند که اگر کسی از دستورالعمل آنها پیروی کند، امنیت فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی، تامین خواهد شد. این رویکرد در بیانیه ۱۶ ماده‌ای داعش که پس از گرفتن موصل صادر کرد و اعلام می‌کند: " کسانی که اشکال حکومت سکولار: جمهوری، بعثی، صفوی و ... را ایجاد کردند، موجب درد و رنج شما شدند. امروز زمان ایجاد دولت اسلامی است"، به خوبی دیده می‌شود. (Kfir, 2014. 21)

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ نوع، کیفی-اکتشافی است. در پژوهش حاضر شناخت و کشف بهتر نظرات و آگاهی‌های متخصصان این حوزه با محوریت عوامل و تحولات سیاسی تاثیرگذار در پیدایش گروهی تروریستی داعش در دوران نخست‌وزیری نوری‌المالکی مورد بررسی قرار

گرفت تا از این طریق به تجارب، آگاهی‌ها و دیدگاه‌های متخصصان که اغلب با روش کیفی قابل اندازه‌گیری است نزدیک‌تر شویم، و همچنین بتوانیم درک روشنی از پدیده داعش داشته باشیم. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساختار یافته بود که براساس سئوالات کلی که ارائه شد توضیحات مفصل و مبسوط نظرات و دیدگاه‌های صاحب‌نظران دریافت شد. جامعه آماری تحقیق کلیه صاحب نظریان، متخصصان حوزه تحولات عراض شامل اساتید، سرداران سپاه، کارشناسان وزارت خارجه بودند. روش نمونه‌گیری گلوله برفی است؛ در روش گلوله برفی ابتدا فردی که اطلاعات یا تجربه کافی در این زمینه دارد انتخاب می‌شود بعد از مصاحبه، از وی خواسته می‌شود سایر افراد مطلع در این زمینه را معرفی نماید. در پژوهش حاضر ابتدا با جستجوی اولیه‌ای با یک عضو هیات علمی مصاحبه گردید و سپس مطلعان دیگر معرفی شدند. محقق بعد از ۱۲ مصاحبه به اشباع داده‌ها رسید؛ یعنی داده‌ای جدید تولید نگردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس کدگذاری باز صورت گرفت؛ علت تمرکز بر کدگذاری باز، ارائه اطلاعات غنی و اولیه درباره ابعاد و جنبه‌های مختلف پدیده است. در این تحقیق در کل ۳۱ کد باز استخراج شد که در جدول زیر ارائه شده است.

#### یافته‌ها

مجموعاً ۲۶ کد از مصاحبه‌ها استخراج گردید. دوران نوری مالکی نخست‌وزیر شیعه عراق دوران پرتنش و متناقضی است که نطفه شکل‌گیری و جولان داعش در این دوره شکل گرفت بر همین اساس مشاهده می‌گردد که برخی از مردم موصل در ابتدای ورود داعش از این گروه استقبال کردند که نشان می‌دهد چنین حرکاتی باید با دقت مورد بررسی قرار گیرد و سیاست‌های دولت نوری مالکی در این زمینه بنظر موثر و تعیین‌کننده می‌آید. بر همین اساس، کدهای استخراجی در چندین حوزه نشان داد که در کنار سایر عوامل اصلی، برخی سیاست‌های حکومتی موجب همراهی بعضی از مردم با داعش در عراق شد. بر همین اساس کدهای استخراجی به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱- نقل قول و کدهای باز مستخرج از مصاحبه‌ها

ردیف	گزاره (نقل قول)	مفهوم (کُد باز)	فراوانی
۱	اشتباهاتی که نوری المالکی در سیاست خارجی خودش در پیش گرفت یکی از عوامل تحریک و نارضایتی مردم است.	عملکرد نادرست سیاست خارجی	۴
۲	وزیر خارجه مالکی بعد از قضیه داعش به طور رسمی از آمریکا درخواست کرد که وارد عرصه عراق شود که این موضوع مورد انتقاد قرار گرفت	درخواست برای ورود نظامیان آمریکائی	۵
۳	یکی از اشتباهات نوری مالکی در پیش گرفتن سیاست پاک‌سازی حزب بعث بود که عملاً زمینه‌های بالقوه برای تشکیل داعش بود.	سیاست اشتباه پاک‌سازی عناصر بعثی	۷
۴	ببینید وقتی نیروهایی مثل بعثی‌ها از حکومت طرد می‌شوند یک نیروی آزاد به حساب می‌آیند و رعد دختر صدام از این عمل نهایت استفاده را کرد	طرد بعثی‌ها از حکومت	۵
۵	اینها یعنی نظامی‌های سنی و ارتشی‌ها جیره و مواجشان در دوره مالکی قطع شد و این نوعی نارضایتی بوجود آورد	نارضایتی ناشی از قطع شدن مواج نظامیان سنی در دوران نوری مالکی	۵
۶	بعد از صدام هم نوری المالکی اشتباهاتی مرتکب شده و از جمله اینکه یک نوع سیاست متمرکز آهنین را در پیش گرفتند	سیاست متمرکز آهنین نوری مالکی	۷
۷	نوری مالکی فضای بسته‌ای را به وجود آوردند که باعث شد حتی دستاوردهای خودش در عراق زیر سوال برود.	ایجاد فضای بسته توسط مالکی	۷
۸	در عراق آقای نوری المالکی در دور دوم ریاست جمهوری برای کنترل کشور اجباراً یک سیاست مستبدانه‌ای را در پیش گرفت	سیاست مستبدانه نوری مالکی	۷
۹	سیاست اشتباه نوری مالکی باعث شده بود بهانه داد به برخی گروهها با توجه به تحریکی که از بیرون می‌شدند به خصوص از جانب ترکیه که به دنبال ایجاد یک امپراطوری جدید بود دست بودند.	بهانه‌دادن به دست گروه‌های داخلی از سوی حاکمیت	۶
۱۰	بنظرم نوری مالکی در سیاست داخلی مهم‌ترین اشتباهش این بود که از نظر ایدئولوژیکی برخی گروه‌ها از سوی حکام عرب هدایت می‌شد و ایشان نتوانست جلوی این تحریک را بگیرد چون نمی‌توانست وفاق عمومی جلب نماید	عدم توانایی نوری مالکی برای ایجاد وفاق عمومی	۸
۱۱	سیاست‌های غلط نوری المالکی به مسلط شدن داعش در عراق دامن زد.	سیاست غلط مالکی در مسلط شدن داعش	۵
۱۲	به اعتقاد آنها توزیع‌های عادلانه قدرت به نحو مطلوب صورت نگرفت	عدم توزیع عادلانه حکومت	۸
۱۳	جامعه مدنی به صورت مطلوب شکل نگرفت	عدم توجه به اعتراضات	۶
۱۴	نوری مالکی اجازه نداد جامعه مدنی شکل بگیرد.	ایجادنشدن جامعه مدنی	۸
۱۵	نوری مالکی فقط چسبیده بود به مساله امنیت	امنیت‌محوری نوری مالکی	

## تبیین جامعه‌شناختی تحولات سیاسی تاثیرگذار بر ظهور داعش...

۶	نارضایتی از سیاست حاکمیتی	کم توجهی به قومیت‌ها همچنان تاحدودی ادامه یافت	۱۶
۵	تبعیض قومی حاکمیت	تبعیض مبتنی بر در ساختار قدرت عراق کماکان وجود داشت	۱۷
۷	تبعیض در ساختار قدرت	بعد از روی کار آمدن نوری‌المالکی تبعیض در ساختار قدرت عراق وجود داشته به این شکل که گفتیم در مجلس قدرت دست شیعیان بوده اکثریت کرسی‌ها	۱۸
۵	افزایش نزاع بین اقوام ناشی از سیاست‌های حاکمیتی	در دوران نوری مالکی، نزاع بین قوم کرد و عرب و کرد و ترکمن کمک کرد به ظهور داعش	۱۹
۵	ادامه فساد در حاکمیت	نوری مالکی نتوانست فساد به ارث برده را ریشه کن کند	۲۰
۴	فساد حاکمیت	یکی از موضوعات مهم در عراق فساد است؛ در دوره نوری‌مالکی به علت دوردادن به برخی افراد این فساد به صورت نهادینه گسترش یافت.	۲۱
۶	گسترش فساد حاکمیتی	اگرچه موضوع فساد هم که عمومی است و به دیدگاه‌های اجتماعی افراد بر می‌گردد و ایدئولوژیکی نیست، اما در دوره نوری مالکی فساد سیاسی به علت دوربرداشتن شیعیان عراق گسترش یافت.	۲۲
۵	فساد ناشی از خرید تسلیمات	زیر فشار سنگین خرید تسلیمات نظامی رفتن نوری مالکی باعث شد نوعی فساد به واسطه مساله امنیت گسترش یابد	۲۳
۷	سیاست یک‌دست سازی جمعیتی حاکمیت	دولت نوری مالکی نوعی سیاست‌های یک‌دست‌سازی را در پیش گرفته بود که سیاست اشتباهی بود دولت مرکزی درخصوص ترکیب جمعیتی برخی از شهرهای عراق دست به اقداماتی زده بود	۲۴
۶	سیاست تفرقه‌افکنی حاکمیت عراق	در دوران نوری مالکی، استان‌های صلاح‌الدین، الانبار و موصل عراق اعتراضاتی بود که نوری مالکی نخست وزیر عراق را به تفرقه افکنی سیاسی میان شیعه و سنی متهم کردند؛ در واقع درست هم بود چون نوری مالکی اساساً شیعه‌گرا بود	۲۵
۵	گسترش سیاست فرقه‌گرایانه حاکمیت عراق	دامنه گفتمان فرقه‌گرایانه در سخنان وزیر شیعه عراقی مالکی، آقای باقر جبر سولاق به اوج خود رسید؛ او سنی‌ها را به سه دسته تقسیم کرد: اول، آنهایی که باید کشته‌شوند؛ دوم، آنهایی که باید به زندان بروند و سوم، آنهایی که باید در خدمت شیعیان باشند تمام این تحولات و وقایع، خواسته یا ناخواسته، در نهایت به شعله‌ور شدن زبانه‌های کینه میان این گروه‌ها منجر شد.	۲۶

### نتیجه‌گیری

پدیده‌های اجتماعی چندبُعدی بوده و در علت‌یابی و شناخت بسترهای آن به عوامل داخلی و خارجی دقت ویژه‌ای نمود. تروریسم نیز به عنوان یک پدیده اجتماعی-سیاسی از این قاعده

مستثنی نیست. متأسفانه در سال‌های اخیر تبلیغات رسانه‌ای و تحلیل‌ها و تفسیرهای مختلف، تروریسم را زاییده بیگانگان و دخالت کشورها در امور یکدیگر معرفی کرده است و گروه‌های تروریستی را ابزار دست دولت‌ها نشان داده‌اند، اما وقتی با گروهی نظیر داعش روبرو می‌شویم که توانسته به واسطه تبلیغات یا سایر ابزارها صدها تن را از کشورهای خود روانه میدان‌های جنگ نماید به این نکته پی می‌بریم که زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و شاید از همه مهم‌تر اقدامات تضادمحور حاکمیت می‌تواند تضادهای اجتماعی را تشدید و فعالیت گروه‌های تروریستی را افزایش دهد. پژوهش حاضر با هدف تبیین جامعه شناختی تحولات سیاسی تاثیرگذار بر پیدایش داعش در دوران نخست‌وزیری نوری‌المالکی انجام شد. یافته‌های تحقیق ۳۱ مفهوم یا عامل موثر در پیدایش داعش را مورد شناسایی قرار داد. اغلب این یافته‌ها به سیاست‌های داخلی نوری‌المالکی در ایجاد شکاف‌ها و تضادهای اجتماعی بر می‌گردد اما سایر ابعاد نیز در این میان دخیل بودند. سیاست خارجی نادرست حاکمیت عراق در دوران نخست‌وزیری نوری‌المالکی، طرد و پاکسازی بعثی‌ها، نارضایتی از سیاست حاکمیت که در بین گروه‌های مختلف مذهبی و قومی ایجاد شده بود، به همراه، سیاست استبدادی حاکمیت، سیاست غلط که در داخل ایجاد می‌شد، توانایی حاکمیت در ایجاد وفاق عمومی بین مردم را کاهش، بی‌اعتنائی به خواسته‌های مردمی را افزایش داد، بکارگیری و توسعه سیاست‌های تبعیض‌آمیز، رخنه فساد در ارکان حاکمیت نوری‌مالکی، سیاست تفرقه‌افکنانه بین اقوام که با محوریت شیعه‌گری صورت می‌گرفت و احساسی طردی که سنی‌ها نسبت به سیاست‌های تبعیض‌آمیز حاکمیت شیعی داشتند، همگی بر تسریع ظهور داعش اثر مثبت گذاشتند. این یافته‌ها در ابعاد مختلف با یافته‌های عبدالحمیدی و جویباری (۱۳۹۷)، اشرف‌نظری و پیرانی (۱۳۹۶)، امینیان و زمانی‌زمانی (۱۳۹۵)، صالحی و همکاران (۱۳۹۵)، کوهکن‌باقری و باقری (۱۳۹۴)، کریمی‌مله و گرشاسبی (۱۳۹۴)، محمدیان و ترابی (۱۳۹۴)، زارغان (۱۳۹۴)، آذین و سیف‌زاده (۱۳۹۴)، گومز و میخائیل (۲۰۱۸)، مدب و همکاران (۲۰۱۷)، تی‌سه (۲۰۱۶)، هادرا (۲۰۱۵) همسو است.

تضادهای اجتماعی رشدیافته در دوران نوری‌المالکی واقعیت‌های جامعه عراق بودند به طوری که سیاست خارجی نوری‌مالکی عمدتاً براساس تقاضای کمک از آمریکائیان صورت می‌گرفت که برای جامعه عراق حساسیت‌زا بود یا طرد و پاس کاری بعثی‌ها سیاست اشتباهی بود که منجر به گرویدن بسیاری از این بعثی‌ها به داعش شد. سیاست استبدادی نوری

مالکی نیز بر محور سیاست متمرکز آهین، استبداد، امنیت‌محوری، سیاست سرکوب و در برخی مواقع تاکید بر یکدست‌سازی جمعیت قرار داشت. بر همین اساس سیاست‌های اجتماعی-اقتصادی داخلی نوری مالکی بهانه دست گروه‌های داخلی می‌داد تا به عناصر داعش روی خوش نشان دهند. همچنین نوری مالکی ناتوان از ایجاد وفاق عمومی بود و در کنار آن به اعتراضات و خواسته‌های مردم بی‌توجه بود. فساد و سیاست تبعیض قومی و مذهبی نیز توانسته بود به حد کافی راه ورود عناصر داعشی بین سنی‌ها را هموار کند و داعش با بهره‌گیری از سیاست‌های تفرقه‌افکنانه مالکی درصد بهره‌برداری از سنی‌ها بود که تا حدود زیادی موفق شده بود. احساس طرد و تبعیض اجتماعی در بین سنی‌ها بهترین محمل و فضا را برای حضور داعش را فراهم آورده بود.

اساساً نارضایتی اجتماعی بر عدم فرصت‌یابی گروه‌های سیاسی برای مشارکت اجتماعی-سیاسی تاکید دارد و سیاست‌های نوری مالکی موجب شده بود فرصت‌های مشارکت سنی‌ها و سایر قومیت‌ها با محدودیت مواجه شده یا اساساً حذف گردند. ریشه‌های نظری این موضوع در نظریه فرصت سیاسی پیتر ایزینگر نهفته است. وی در مطالعات خود در حوزه جنبش‌های سیاه‌پوستان در آمریکا، به این نتیجه رسید که «طبیعت قوه مجریه، نوع انتخابات، تقسیم وظایف کارشناسانه و مناصب و البته میزان ادغام فردی و جمعی در ساختار سیاسی، به انحاء مختلف می‌توانند به شهروندان در رسیدن به اهدافشان یاری رسانند یا مانع از آن شوند.» به بیان دیگر، مطابق این نظریه، «ساختارهای سیاسی همانگونه که هستند یا آنگونه که توسط افراد و گروه‌ها درک می‌شوند، بر بروز جنبش‌ها و حیات آنها تأثیر می‌گذارند.» بنابراین، نظریه فرصت‌یابی سیاسی، بر پایه این فرضیه شکل گرفته است که در حضور تمامی عوامل مساعد، از جمله نارضایتی‌های اجتماعی، چنانچه کارگزاران جامعه جنبشی از فرصت‌های سیاسی به وجود آمده بهره لازم را نبرند یا آنها را نسازند، ناآرامی خیابانی فراگیر و بحران سیاسی معنادار برای حاکمیت مستقر شکل نمی‌گیرد. به بیان دیگر، این تحولات محصول فرصت‌های سیاسی ساختاری یا کارگزارمحور است که در روند بسیج جنبشی ساخته می‌شوند و مورد استفاده قرار می‌گیرند و همین کنش و واکنش است که آینده تحولات یا پیامدهای آن را می‌سازد. گذر از نارضایتی اجتماعی به شورش‌ها در عراق را می‌توان به علت تراکم و انباشت مطالبات سنی‌ها از دولت نوری مالکی و عدم توجه ایشان به خواسته‌های آنها توجیه کرد. این تعویق پاسخ‌گویی به مطالبات موجب شده جریان داعش بتواند از وضعیت به وجود آمده استفاده

کرده و با پیوندزدن لایه‌های گوناگون جامعه، که بعضاً خواست‌ها یا دغدغه‌های متفاوتی دارند، آنها را به خیابان فرا بخواند. این حالتی است که ارنستو لاکلاو آن را تئوریزه کرده و به این وضعیت، یعنی به هم پیوستگی جنبشی لایه‌های گوناگون جامعه که در حالت عادی در کنار هم قرار نمی‌گیرند، «زنجیره‌های هم‌ارزی» می‌گوید. حال اگر جریان پوپولیست یا بسیج‌کننده پوپولیست درون حکومتی باشد، ظرفیت تخریب‌گری زنجیره‌های هم‌ارزی پائین می‌آید، اما اگر برون‌حکومتی باشد، می‌تواند به سمت تخریب‌گری و ایجاد بحران سیاسی برای حاکمیت مستقر میل کند. چون جریان داعش بیرون از حکومت بود تخریب‌گری و بحران سیاسی در عراق تشدید شد به طوری که بخش‌های موصل و استان الانبار از ورود گروه‌های سلفی-تکفیری نظیر داعش در مراحل اولیه استقبال نیز کردند. از بُعدی دیگر نیز باید به این موضوع نگاه کرد فساد سیستماتیک موجود در حاکمیت نوری مالکی، به همراه ناامیدی اجتماعی سنی‌های موجب شدت‌یابی اقدامات شورش‌ی شده بود؛ توالی، تجمع و ناتوانی حکومت نوری مالکی در مدیریت تقاضا یا اساساً عدم توجه به آنها موجبات آزادشدن ظرفیت جنبشی خشونت‌گرا نظیر داعش شده بود.



## منابع فارسی

### کتاب

### مقالات

- احمد آذین، علی سیف‌زاده (۱۳۹۴)، بررسی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی ظهور داعش در خاورمیانه، سال ۲۹، شماره ۴، زمستان
- بهادر امینیان، سیدحسام‌الدین زمان (۱۳۹۵)، چارچوبی نظری برای تحلیل رفتار گروه داعش، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، بهار، دوره ۸، شماره ۲۶
- رضا عبدالحمیدی، محمد یوسفی جویباری (۱۳۹۷)، بررسی علل پیدایش گروه‌های تکفیری با تاکید بر گروه تروریستی داعش در سوریه، دومین کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی، مدیریت و معارف اسلامی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی
- زارعان، احمد (۱۳۹۳)، زمینه‌های ظهور و گسترش داعش در محیط امنیتی غرب آسیا، آفاق امنیت، تابستان، دوره ۷، شماره ۲۳
- خلیل صالحی، سید رضا آل طاها و امید اسعدی (۱۳۹۵)، کاوشی بر پیدایش داعش، اولین همایش بین‌المللی بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام، تهران، موسسه آینده پژوهی جهان اسلام
- علی اشرف‌نظری، شهره پیرانی (۱۳۹۶)، نظریه هویت اجتماعی و بازنمایی کنش هویتی داعش، فصلنامه مطالعات ملی، ۷۰، سال هجدهم، شماره ۲
- علی کریمی‌مله، رضا گرشاسبی (۱۳۹۴)، بررسی چرایی پیوستن جنگجویان خارجی به داعش، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره اول، بهار
- علیرضا کوهکن‌باقری، سامیه باقری (۱۳۹۴)، زمینه‌های شکل‌گیری گروه داعش در آسیای مرکزی، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره سوم، پاییز
- علی محمدیان، قاسم ترابی (۱۳۹۴)، بسترها و عوامل موثر در شکل‌گیری گروهک تروریستی داعش، سیاست دفاعی، زمستان ۱۳۹۴، دوره ۲۳، شماره ۱ (پیاپی ۹۳)

## English resources

### Book

- Abbas, Tahir (2015), **Preventing Islam phobia and Radicalization**, Council of Europe. Strasbourg. France

Abrams, D., Hogg, M.A (2001). Comments on the motivational status of self-esteem in social identity and intergroup discrimination, New York: psychology press.

Awan, Akil. N. (2015). Religion, Youth and the Effect of ISIS Narrative on Radicalization in the West, in "From the Desert to World Cities, The new Terrorism". Konrad-Adenauer-Stiftung.

Bergen, Peter (2015) IMU Members Pledge Support to ISIS, Foreign Policy, available at:<http://foreignpolicy.com/2015/03/31/imu-members-pledge-support-to-isis>.

Berger, J.M. and Jonathan Morgan, (2015). The ISIS Twitter Census: Defining and Describing the Population of ISIS Supporters on Twitter, The Brookings Institution, 2015. Accessed June 2017. <https://www.brookings.edu/research/the-isis-twitter-census-defining-and-describing-the-population-of-isis-supporters-on-twitter/>

Bloom. panel Mia., Daymon , Chelsea (2018). Assessing the Future Threat: ISIS's Virtual Caliphate. Orbis. Volume 62, Issue 3, 2018, Pages 372-388

Caleb Weiss,A (2017). Philippines-based jihadist group pledge allegiance to Islamic State, The Long War Journal. 2016. Accessed May 2017. <http://www.longwarjournal.org/archives/2016/02/philippines-based-jihadist-groups-pledge-allegiance-to-the-islamic-state.php>.

Cesari, Jocelyne (2014). Understanding the Dynamics of ISIL Mobilization: The Challenge of Foreign Fighters. In: Multi-Method Assessment of ISIL. A Strategic Multilayer Assessment (SMA) Periodic Publication.

Cook, David. (2012). "Fighting to Create the Just State: Apocalypticism in Radical Muslim Discourse." In Just Wars, Holy Wars, & Jihads, edited by Sohail H. Hashmi, 364-82. New York: Oxford University Press, 2012.

Gerges, Fawaz A. (2014). ISIS and the third wave of jihadism, current history. December.

Gomes, Aureo de Toledo and Mikhael, Michelle Mitri, (2018). Bras. Terror or Terrorism? AlQaeda and the Islamic State in Comparative Perspective .Political Sci. 1 (12)São Paulo.

Gupta, Dipak K. (2008), Understanding Terrorism and Political Violence. London: Routledge, available at: <http://www.theatlantic.com/magazine/archive/2015/03/what-isis-really-wants/384980/>

Hadra, Dana (2015). *ISIS: Past, Present and Future?* ProISIS Media and State Formation. A Senior Honors Thesis: Boston College.

Hoyle, Carolyn & Aalexandra Bradford & Ross Frenett (2015). *Becoming Mulan ? Female Western Migrants to ISIS*. Institute for Strategic Dialogue. In: *From The Desert to World Cities, The new Terrorism*. Konrad-Adenauer-Stiftung. Peresin, Anita (2015). *Fatal Attraction: Western Muslimas and ISIS*. *Perspective on Terrorism*. Vol. 9. No. 3.

Jenkins, Jack.(2015). "What The Atlantic Gets Dangerously Wrong About ISIS" February 18, 2015. <http://thinkprogress.org/world/2015/02/18/3624121/atlantic-gets-dangerouslywrong-isis-islam/>. rendan I Koerner, *Why ISIS Is Winning the Social Media War*, *Wired*. 2016. Accessed June 2017. <https://www.wired.com/2016/03/isis-winning-social-media-war-heres-beat/>,

Kfir, Isaac (2014), "Social Identity Group and Human (In) Security: The Case of Islamic State in Iraq and the Levant (ISIL)", *Institute for National Security and Counterterrorism (INSCT)*, Dec 2014, 1-48.

McCants, William F.(2015) *The ISIS Apocalypse: The History, Strategy, and Doomsday Vision of the Islamic State*. New York: St. Martin's Press, 2015.

Meddeb, Hamza, Silvia Colombo, Katerina Dalacoura, Lorenzo Kamel and Olivier Roy, (2017). *Religion and Politics Religious Diversity, Political Fragmentation and Geopolitical Tensions in the Mena Region*. *Middle East and North Africa Regional Architecture: Mapping Geopolitical Shifts, Regional Order and Domestic Transformations*. Working papers. No.7.

Neumann, Peter R. (2015). *Western Jihadists in Syria and Iraq: A Preliminary Overview*.

Renad, Mansour and Faleh Jabar (2014), "Inter- and Intra-Ethnic Relations and Power Sharing in Post-Conflict Iraq", in *European Yearbook of Minority Issues*, Vol. 11, p. 187-209.

Tse, Tiffany (2016). *ISIS and Recruitment: How Do Demographics Play a Role?* A Senior Honors Thesis. Carnegie Mellon University.

Wu, Tianchi (2018). *Landpower, Time, and Terrorism: A Strategy of Lightness in the Counter-ISIS Campaign*. *Orbis*. Volume 62, Issue 2, 2018, Pages 278-293.